

اقتصاد و تاب آوری شهری و ارتباط آن با صنعت گردشگری

هنگامه خراسانی مطلق

کارشناس شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان

khorasani.hv@gmail.com

حبیبه موسوی فرحبخش

رئیس اداره طرح های کالبدی اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان

mhbb1065@gmail.com

فاطمه فروغی

کارشناس معماری و شهرسازی اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان

f.forooghi.91@gmail.com

چکیده

در این مقاله سعی بر این شده که تاثیر معماری و شهرسازی در اقتصاد و گردشگری بررسی شود در ابتدا مقاله تعریفی از صنعت گردشگری و سپس پیشینه بحث صنعت توریسم و گردشگری معرفی گردیده است در قسمت های بعدی مقاله از اقتصاد شهری، مفهوم و قلمرو سخن به میان آمده است. در پیرامون مطالب از نظریه ی پایه ی اقتصادی شهر و تحلیل بر عوامل تاثیرگذار بر رشد شهری بیان شده است، در ادامه مقاله تعریفی از رابطه گردشگری و اقتصاد و در انتهای مقاله شاخص ها و زیرساختهای گردشگری مورد بررسی قرار گرفته است و در آخر نتیجه گیری و منابع مورد استفاده در مقاله عنوان شده است. در این پژوهش از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده که در انتها به این نتیجه می رسیم شهرهایی که واجد ارزشهای تاریخی فرهنگی شهرسازی و معماری و فضاهای مطلوب شهری در ابعاد مورد نظر می باشند در حیطه ی برنامه ریزی در خصوص سیما و منظر مطلوب شهری و ایجاد شاخص های مورد نیاز بازدید کنندگان و گردشگران در زمینه ی تامین زیرساختهای گردشگری قرار گیرند.

واژگان کلیدی: اقتصاد شهری، رشد شهری، صنعت توریسم، گردشگری

صنعت گردشگری برای ایجاد تعادل بین توسعه پایدار و ارتقاء سطح کیفی زندگی جوامع، بسیار با اهمیت است و به طور موثری می تواند مشکلات جوامع را مهار کند. امروزه به دلیل ارتقاء زیرساختهای فناوری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، پدیده گردشگری یک واقعیت اجتناب ناپذیر در رفتار و عمل انسان برای ارضای روح او خواهد بود. گردشگری به عنوان یکی از منابع درآمد و ایجاد اشتغال در سطح محلی می تواند رهیافتی برای توسعه اقتصادی باشد. گردشگری بخصوص در زمانی که سود فعالیتهای دیگر بخش های اقتصادی در حال کاهش باشد (محسنی، ۱۳۸۸، ۱۷۱)، جایگزین مناسبی برای آنها و راهبردی برای توسعه است. در قرن بیست و یکم، پیشرفت فناوری موجب می شود تا وقت انسان بیش از پیش آزاد گردد و زمان بیشتری را صرف اوقات فراغت خود نماید. در واقع این قرن را باید عصر صنعت گردشگری نام نهاد، این صنعت به اندازه ای در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها اهمیت دارد که اقتصاددانان آن را صادرات نامرئی نام نهاده اند.

توجه به صنعت گردشگری بیانگر این واقعیت است که این امر به یک سلسله تاثیرات و تغییرات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی محیطی در هر جامعه ای می انجامد (محسنی، ۱۳۸۸، ۱۵۱)، دلیل اصلی توسعه گردشگری غلبه بر پایین بودن سطح درآمد و ارائه فرصت های جدید شغلی و تحولات اجتماعی در جامعه است و می تواند امیدهایی را برای کاهش فقر به خصوص در نواحی که به نحوی دچار رکود اقتصادی شده اند، فراهم آورد (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۶، ۸۲). صنعت گردشگری صرف نظر از تاثیر گذاری بر کشورهای مقصد، بر کشورهایی که در مسیر عبور جهانگردان واقع می شود، نیز اثر گذار می باشد. مثبت یا منفی بودن تاثیر گردشگری به مدیریت این فرایند بستگی دارد (محسنی، ۱۳۸۸، ۱۵۴). هدف از پژوهش حاضر ارزیابی نقش معماری و شهرسازی در صنعت گردشگری و اقتصاد شهری می باشد.

شهر، اقتصاد شهری، مفهوم و قلمرو

در یک جمع بندی شهر را می توان چنین تعریف کرد: شهر سکونتگاه مجتمعی است با تعداد و تراکم معین و متناسب از جمعیت، با بافت و ساختار کالبدی یکپارچه و به هم پیوسته اعم از محلات، کوی ها و یا مناطق مسکونی، فضاهای فرهنگی، بازرگانی و تولیدی (پیشه وری و صنعتی)، اداری، ارتباطی، کشاورزی و نظایر آن ها، که اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن در مشاغل و فعالیت های غیر کشاورزی (داد و ستد و بازرگانی، صنعت و فعالیت های اداری و فرهنگی و مانند آنها) به کار اشتغال داشته و بر اثر تمرکز تولید و خدمات فرامحلی، کانون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اداری، مواصلاتی و مرکز مبادلات اقتصادی و تامین نیازهای حوزه ی جذب و نفوذ پیرامون خود نیز می باشد. (مومنی، ۱۳۶۶: ۳۴). در این تعریف بر ابعاد جمعیتی، کالبدی، اقتصادی و نقش مرکزیت شهر نسبت به حوزه ی پیرامون خود اشاره شده است.

اگر شهر یک واحد اقتصادی است که در آن منابع اقتصادی وجود دارد که توسط عوامل اقتصادی (تولید کننده، توزیع کننده و مصرف کننده) مورد بهره برداری قرار میگیرند، سیستم شهری باید با توجه به کارایی عملکردی آن در رابطه با استفاده از این منابع مطالعه شود. حیات و توانایی عملکردی سیستم شهری، رشد و توسعه یا افت و رکود آن در طول زمان به چگونگی استفاده از منابع اقتصادی موجود در شهر و نحوه کنش عاملان اقتصادی وابسته است. تحلیل های اقتصادی همچنین به فهم بهتر پدیده های شهری با ماهیت کمتر اقتصادی کمک می کند. زیرا بسیاری از پدیده های شهری در جریان مکانیزم قیمت عمل میکنند.

ارائه تعریفی جامع و مانع از اقتصاد شهری، همچون اکثر شاخه های علمی، به ویژه شاخه های علوم انسانی کار دشواری است. برای ارائه یک تعریف جامع از اقتصاد شهری سه مشکل عمده وجود دارد:

اولین و احتمالاً مشکل ترین آن ها، این است که مطالعه ی اقتصاد شهری در یک زمینه ی خالص اقتصادی باید بر اساس یک ادراک کامل از چشم انداز تاریخی، سیاسی، جامعه شناسی، برنامه ریزی و جغرافیایی از فعالیت های شهری باشد. بنابراین مطالعه شهر و اقتصاد شهری یک ماهیت بین رشته ای پیدا می کند. البته این بدان معنی نیست که نتوان روی جنبه های اقتصادی

شهر تمرکز کرد، بلکه با توجه به پیچیدگی مسایل شهری، تحلیل گر اقتصاد شهر باید با دیدگاهی وسیع تر به مسایل شهری بنگرد و سایر جنبه های غیر اقتصادی موثر بر اقتصاد شهر را نیز در تحلیل خود در نظر داشته باشد. دومین مشکل از آنجا ناشی می شود که شهرها در یک نظام اقتصادی بزرگتر قرار داشته و به طور گسترده تحت تاثیر اقتصاد ملی و حتی جهانی نیز هستند. در نتیجه بسیاری از مسایل شهری را نمی توان در یک واحد جداگانه بررسی کرد، بلکه باید وابستگی و پیوستگی اقتصاد شهری را با نظام های اقتصادی فراگیرتر ملی و جهانی نیز مورد توجه قرار داد. و بالاخره سومین مشکل به تعریف دقیق مرزهای فیزیکی اقتصاد شهری مربوط می شود. اگرچه اقتصاد شهری تقریباً به وسیله تمرکز و تخصصی شدن تولید، ثروت و تکنولوژی در یک ناحیه مشخص می گردد، اما تعریف دقیق حدود جغرافیایی تمرکز شهری کار آسانی نیست.

بنابراین در تعریف و تعیین قلمروی اقتصاد شهری از یک طرف باید به ارتباط تنگاتنگ آن با مسایل و مشکلات غیر اقتصادی شهر از قبیل فقر، جرم و جنایت، آموزش، عبور و مرور، آلودگی، مسکن، دولت محلی و ... توجه داشت و از طرف دیگر نزدیکی و همپوشی آن را با اقتصاد منطقه ای در نظر گرفت. بر این اساس اقتصاد شهری واقعیتی است از مجموع فعالیت های اقتصادی که به وسیله ی اثرات خارجی تحت تاثیر قرار گرفته و اختصاص بهینه منابع را که در علم اقتصاد مورد تاکید است، اگر غیر ممکن نسازد با مشکل مواجه می کند.

با وجود مشکلات یاد شده اگر سطح انتظار خود را از ارائه یک تعریف جامع و مانع از اقتصاد شهری پایین بیاوریم، می توان گفت که اقتصاد شهری یکی از رشته های تخصصی اقتصاد است که در آن اقتصاددانان با استفاده از ابزارهای اقتصادی، مسایل و مشکلات یک منطقه شهری را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهند. (عابدین درکوش، سعید، ۱۳۸۰: ۲)

آرتور ا. سلیوان اقتصاد شهری را چنین تعریف کرده است: اقتصاد شهری مطالعه ی انتخاب مکانی بنگاه ها و خانوارهاست. شاخه های دیگر اقتصاد، جنبه های مکانی تصمیم گیری را نادیده انگاشته و فرض راحت و غیر واقع بینانه ای را به کار می برند که تمام تولید و مصرف در یک نقطه از مکان انجام می شود. در مقابل اقتصاد شهری به بررسی موضوع کجایی انجام فعالیت های اقتصادی می پردازد. در اقتصاد شهری، یک سرپرست خانوار انتخاب می کند که کجا کار کند و در کجا زندگی کند. به همین منوال، یک بنگاه به انتخاب محل احداث کارخانه، اداره یا فروشگاهش می پردازد. (ا. سلیوان، ۱۳۸۶: ۳-۲).

در اقتصاد شهری سعی می شود که مسایل مربوط به تخصیص عوامل تولید و توزیع درآمد واقعی در داخل و بین مناطق شهری، به طور عملی توضیح داده می شود. به عبارت دیگر چگونگی تولید و توزیع کالا و خدمات نه تنها در داخل یک شهر، بلکه بین شهرها بررسی میشوند (عابدین درکوش، سعید، ۱۳۸۰: ۳). بنابراین اقتصاد شهری و اقتصاد منطقه ای با هم پیوند خورده و در بسیاری از مطالعات، این دو شاخه علمی به صورت ترکیبی و تحت عنوان اقتصاد شهری و منطقه ای مورد بررسی قرار گرفته است.



(ا.سلیوان، ۱۳۸۶: ۴).

مدل های اقتصاد شهری را به طور کلی می توان به دو دسته مدل های تحلیلی و مدل های سیاستی تقسیم کرد. مدل های تحلیلی عمدتاً در جستجوی چگونگی روابط اقتصادی در شهر و نحوه اثرگذاری این روابط بر شکل کالبدی شهر هستند. در این مدل ها توان اقتصادی شهر، ساخت اشتغال و ترکیب آن، چگونگی تصمیم گیری خانوارها در یافتن مکان های سکونتی خود، مکان یابی بنگاه های تجارتي و خدماتی شهر، مکان یابی صنایع و در نهایت چگونگی استقرار انسان ها و فعالیت ها در سطح شهر، تنها برای توضیح رفتارهای اقتصادی مردم، بررسی می شوند. به عبارت دیگر در این مدل ها، هیچ کوشش آگاهانه ای برای تغییر یا تبدیل روندها و گرایش ها انجام نمیگیرد. (رفیعی، ۱۳۶۹: ۶-۲)

مدل های تحلیلی را می توان در دو گروه عمده دسته بندی کرد: (رفیعی، ۱۳۶۹: ۶-۲)

۱-مدل هایی که رشد شهر را با استفاده از روش های اقتصاد کلان اندازه گیری می کنند؛ مانند روش برآورد تولید و درآمد شهر، یا روش تحلیل ساخت اقتصادی شهر.

۲-روش هایی که رشد شهر را بر پایه نظریه های اقتصاد خرد می سنجند، مانند مدل های اقتصادی کلاسیک.

اصطلاح اقتصاد شهری اولین بار با انتشار کتاب ویلبرتامسون تحت عنوان مقدمه ای بر اقتصاد شهری در سال ۱۹۶۵ مطرح شد یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر در مباحث اقتصاد شهری مطرح گردیده و شاید بتوان از آن به عنوان یک بازنگری مفهومی در این رشته علمی یاد کرد، دیدگاه تعامل اقتصاد و فرهنگ است. در این دیدگاه فرهنگ شهری از جمله صنایع فرهنگی، مصرف انبوه و حرکت های خلاق در شهرها به عنوان نوع جدیدی از عاملین اقتصادی پیشگام محسوب می گردند. (Amin, ۲۰۰۷: ۱۵۱). نهادها و فعالیت های فرهنگی می توانند موجب تاثیر مثبت اقتصادی برای شهر گردند. نهادها و فعالیت های فرهنگی باعث ایجاد درآمد، اشتغال و رشد اقتصادی از طریق جذب بازدید کنندگان و گردشگران به شهر یا منطقه می گردند.

نظریه ی پایه ی اقتصادی شهر

این نظریه که بر اساس نظریه ی اقتصادی قطب رشد، پس از جنگ جهانی دوم توسعه یافت، فعالیت های اقتصادی شهر را به دو بخش فعالیت های پایه و غیر پایه تقسیم می کند. فعالیتی که محصولات و خدمات آن به خارج از شهر صادر می شود، فعالیت پایه و فعالیتی که محصولات آن محدود به مصرف خود منطقه شهری است فعالیت غیر پایه محسوب می گردد. بر اساس این نظریه رشد شهری بستگی به نسبت فعالیت های پایه ای به غیر پایه ای دارد. هر چه این نسبت بالاتر باشد رشد شهری بیشتر است. بخش های غیر پایه ای وابسته به بخش پایه ای خواهد بود و ایجاد اشتغال در فعالیت های پایه ای تقاضا برای محصولات غیر پایه ای را فراهم خواهد کرد. در نتیجه یک تزریق اشتغال پایه ای به شهر با ضریبی افزایشی، باعث افزایش کل اشتغال و در نهایت افزایش جمعیت خواهد شد. برعکس اگر یک ناحیه شهری تعدادی از اشتغال پایه ای خود را از دست بدهد، اشتغال غیر پایه ای کمتری مورد نیاز خواهد بود و جمعیت شهر کاهش خواهد یافت.

تحلیل بر عوامل تاثیر گذار بر رشد شهری

پیچیدگی فرایند رشد شهری و عوامل موثر بر آن و شرایط ویژه طبیعی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر شهرهای مختلف مانع از آن می گردد که بتوان با انتخاب یک نظریه، همه ی ابعاد و عوامل پدیده ی رشد شهری را در چارچوب آن تحلیل نمود.

توان اقتصادی شهر که شامل فعالیت های عمده ی اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) می شود، تعیین کننده ی میزان تقاضا برای نیروی کار است. موقعیت طبیعی و ناحیه ای شهر و نیز سیاست های ملی از عواملی هستند که در تقویت بنیه اقتصادی شهر و جایگاه آن در سلسله مراتب شهری نقش مهمی ایفا می نمایند. برای تعیین میزان و نقش هر یک از بخش های اقتصادی در ایجاد تقاضا برای کار می توان از نظریه پایه اقتصادی شهر استفاده کرد. یعنی با تشخیص بخش پایه، ارتباط رشد اشتغال در بخش پایه را با رشد جمعیت شهری تحلیل نمود. برای تعیین و تشخیص بخش پایه می شود ضریب نسبت محلی را بکار گرفت. این نسبت، اقتصاد ملی را به عنوان معیار خود کفایی قرار داده و اگر منطقه ای فعالیت های یک بخش اقتصادی آن نسبت به کل اشتغال آن منطقه بیشتر از نسبت فعالیت های همان بخش در کل کشور به کل اشتغال کشور باشد، آن بخش حالت پایه دارد (زنگنه، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

طرف دیگر بازار کار، عرضه نیروی کار است که عوامل جمعیتی شامل: ساخت سنی و جنسی، نرخ رشد طبیعی جمعیت، نرخ مشارکت نیروی کار و مهارت، کمیت و کیفیت آن را تعیین می کنند. از برخورد عرضه و تقاضای نیروی کار ممکن است دو حالت اتفاق بیفتد، یا تقاضا برای نیروی کار از عرضه آن بیشتر است که در این صورت با افزایش دستمزد و وجود فرصت های شغلی مناسب، یا باعث افزایش مشارکت نیروی کار جمعیت ساکن در شهر می گردد و یا از طریق مهاجرت به داخل و رفت و آمدهای روزانه برای کار فرصت های ایجاد شده اشغال می گردد. در حالت دوم، اگر عرضه نیروی کار از تقاضا برای آن بیشتر باشد باعث کمبود شغل می گردد. کمبود شغل ممکن است با افزایش بیکاری، کاهش نرخ مشارکت نیروی کار و یا مهاجرت به بیرون جمعیت و نیروی کار تعدیل گردد. اثرات فضایی مهاجرت (به داخل یا خارج) در توسعه فیزیکی شهر ظاهر می گردد. همچنین تفاوت های فرهنگی و اجتماعی و توان اقتصادی متفاوت مهاجرین در انتخاب مناطق مختلف شهر برای سکونت آنها تاثیر گذاشته و باعث تغییراتی در ساخت اجتماعی - فضایی شهر می گردد.

علاوه بر عوامل یاد شده، عوامل تاریخی و فرهنگی همچون ترکیب نژادی و مذهبی و نیز نیازهای زیستی - عاطفی خانواده ها در ساخت اجتماعی - فضایی شهر تاثیر به سزایی دارد. چرا که در بسیاری از موارد در انتخاب محل سکونت در شهر عوامل یاد شده مهم هستند.

مفهوم گردشگری

گردشگری صنعتی گسترده، عظیم و رو به رشد در عرصه ی فرهنگ و اقتصاد جهان است (فرجی راد، افتخاریان، ۱۳۹۱، ۴۹). بهره برداری بهینه از فرصت های موجود در گردشگری، مستلزم انجام مطالعات اصولی و تدوین برنامه های مبتنی بر تحقیقات و متکی بر تکنیکهای تحلیل علمی است (تقوایی، صفرابادی، ۱۳۹۰، ۱۹۰).

صنعت توریسم از صناعی است که در سال های اخیر به سرعت گسترش یافته و در ردیف یکی از بزرگترین منابع درآمد جهان درآمده است. کارشناسان صنعت گردشگری را یکی از راه های گسترش و ایجاد رونق اقتصادی می دانند. از طرفی گردشگری کارکردهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نیز به همراه دارد (محسنی، ۱۳۸۸، ۱۵۳).

گردشگری عبارت است از گذران اختیاری مدتی از اوقات فراغت خویش در مکانی غیر از محل سکونت دائمی به قصد التذاذهای گردشگری. بعضی دیگر گردشگری را به عنوان اقدام به مسافرت با هدف تفریح و ارائه خدمات برای این عمل تعریف کرده اند. تعریف جامع تری نیز بوسیله سازمان جهانی گردشگری از توریسم ارائه شده است: گردشگری یک صنعت خدماتی است که شامل تعدادی از ترکیبات مادی و غیر مادی می باشد. عناصر مادی شامل سیستمهای حمل و نقل، پذیرایی و خدمات مربوط به آن نظیر خدمات بانکی، بیمه و خدمات بهداشتی و ایمنی می شود. عناصر غیر مادی شامل استراحت، آرامش، فرهنگ و تجربیات جدید و متفاوت است (صدر موسوی، دخیلی کهنمویی، ۱۳۸۴، ۱۳۱).

لزوم توجه به شهرسازی

مهمترین فضاهای که مورد بازدید و اقامت گردشگران قرار می گیرند فضاهای شهری هستند که از دیرباز جذاب ترین فضاها را تشکیل می داده اند، زیرا شهرها پیشرفته ترین و کامل ترین قرارگاه های انسانی را تشکیل می دهند. شهرها در بردارنده مرکز مهم اقتصادی، فرهنگی و تفریحی هستند و افزون بر اینها از جاذبه های طبیعی نیز بهره مندند و از این رو مهمترین کانون های جلب جهانگردان هستند (ژرژ کازس، ۱۳۸۲، ۱۰). برنامه ریزی شهری برای هر شهر مستلزم دریافت و فهم صحیح از فضاهای شهری است. فضایی که توده مردم شهر، اهداف و وقایع آن را و مفهوم توسعه پایدار شهری را بوجود می آورد (تقوایی، صفرابادی، ۱۳۹۰، ۱۹۴).

ساختار فضایی شهر نظم و رابط بین عناصر کالبد و کاربری را در شهر نشان میدهد (cheng et al, ۲۰۰۶: ۶۰۷)، به عبارت دیگر ساختار فضایی به مجموعه ای از ارتباطات ناشی از فرم شهری و تجمع مردم، حمل و نقل و جریان کالا و اطلاعات اشاره دارد (rodrique et al, ۲۰۰۹)، بنابراین طراحی ساختار فضایی که بتواند خود را با شرایط موجود و آتی شهر تطبیق دهد و در عین حال پایدار باشد، از اهمیت بسیار برخوردار است (bertaud, ۲۰۰۲: ۲۶۰). ویژگی های جوامع شهری امروز سبب ناپایداری انسانها و محیط زیست (محیط طبیعی و محیط مصنوع) گردیده است (پایلی یزدی، ۱۳۸۵)، مشکلی که امروزه در پیش روی برنامه ریزان شهری قرار دارد، چگونگی اعمال سیاستها و برنامه های پایدار شهری و ترسیم جلوه های این پایداری در شهرهاست. نیل به چنین شرایطی، نیازمند جهت دادن به هدف ها و برنامه های اجرایی، اصلاح وضعیت ساختارها و مدیریت های مرتبط در اداره امور شهر هاست.

معماری و نقش آن در گردشگری

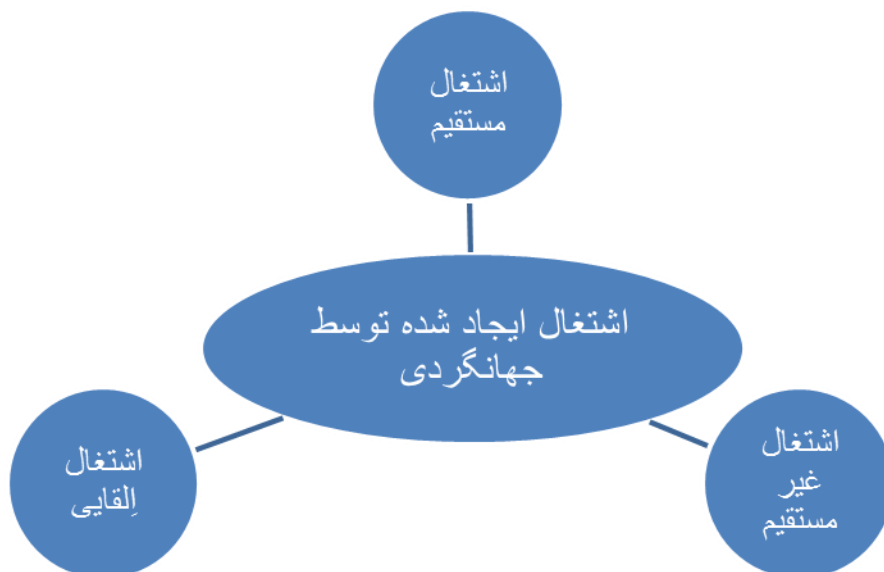
هنگامی که تاریخ گردشگری مورد مطالعه قرار گیرد این مساله مشخص می شود که معماری همواره نقش اساسی در گردشگری داشته است. از پیدایش نخستین جاذبه ها، میهمان خانه ها، کاروانسراها تا رسیدن به صنعت گسترده امروزی، گردشگری و معماری در پیوندی پایدار بوده اند (فرجی راد، افتخاریان، ۱۳۹۱، ۵۰)، اکنون که گردشگری یکی از علوم نوین و پیشرو در سطح جهانی شده است، رویکردهای متفاوتی برای مطالعه این صنعت در نظر گرفته می شود، یکی از این رویکردها، رویکرد میان رشته ای است که در این مقاله سعی شده است به آن پرداخته شود، گردشگری تقریباً تمام جنبه های یک اجتماع را در بر می گیرند. امروزه اهمیت و وسعت این صنعت موجب شده است تا پدیده های متعددی از دیدگاه

گردشگری مورد تحلیل قرار گیرند. امروزه با گسترده تر شدن علم و صنعت گردشگری، زوایای جدیدی فرآروی مطالعه آن قرار گرفته است، این گستردگی تا حدی است که تقریباً تمام احتیاجات و نیازهای بشر مورد توجه واقع می شوند. معماری خود برای برطرف نمودن بسیاری از نیازهای بشر بوجود آمده است اما از دیدگاهی گردشگری، معماری دو نقش اصلی را داراست که عبارتند از لازمه و جاذبه. لازمه در حوزه زیرساختهای صنعت گردشگری قرار می گیرد در حالیکه جاذبه جزئی از جاذبه های فرهنگی است که در آن دسته بندی های متفاوتی به منظور جاذبه های معماری در نظر گرفته شده است (فرجی زاده، افتخاریان، ۱۳۹۱، ۴۹). امروزه مساله اصلی شهرها، تغییر و تحولات کالبدی ناشی از تاثیر تحولات و نیازهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در درون آن است. ساختمان های کهنه ای که تخریب می شود و به جای آنها ساختمان های نو برپا می شود و بخش هایی از شهر که نقش شان تغییر می کند، از مسائل امروز شهرهاست. آنچه که اهمیت معماری را در گردشگری دوچندان می کند، این است که در هر فضا و مکانی که گردشگری در آن روی می دهد، ساخت و سازهایی جهت ایجاد تاسیسات و زیرساخت ها انجام می شود. در نتیجه معماری و گردشگری در هر فضایی تاثیرات متقابل از هم گرفته و می توان گردشگری را در بستر مکان دسته بندی نمود و ارتباط آن را با معماری آن منطقه سنجید (ضرغام، ۱۳۹۰).

رابطه ی گردشگری و اقتصاد

رایج ترین نگاه به جهانگردی در جهان معاصر رویکرد اقتصاد محور است (همایون، ۱۳۸۴: ۲۳). گردشگری یکی از منابع عمده درآمدزایی و ایجاد اشتغال در جهان به شمار می آید «جان مینارد کینز، اقتصاد دان مشهور انگلیسی معتقد بود رشد اقتصادی که خود ناشی از سرمایه گذاری است در آینده می تواند ایجاد اشتغال و درآمد نماید. کینز معتقد بود که رشد اقتصادی زمانی حاصل خواهد شد که میزان تزریق پول به اقتصاد از میزان نشت آن بیشتر باشد

لزوماً نباید درآمدهای حاصله از گردشگری را به خود این صنعت یا خدمات اختصاص داد بلکه بهتر آن است این درآمدها را صرف امور زیربنایی و بنیادی جامعه نمود که در دراز مدت اثرات مثبت خود را بر گردشگری نیز خواهد گذاشت مثل احداث بزرگراه ها، ریل های استاندارد، توسعه ناوگان هوایی، خطوط کشتیرانی، کاهش آلودگی محیط زیست....



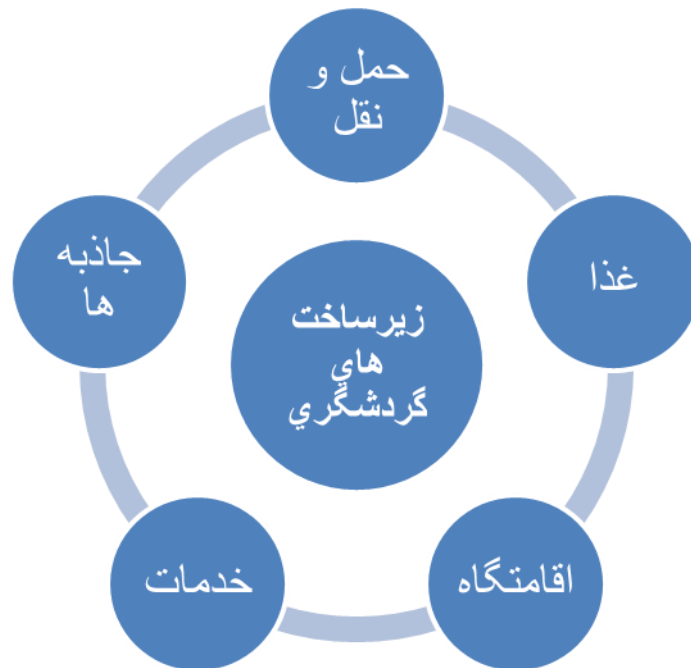
تأثیر درآمدی گردشگری، امروزه سهم زیادی از درآمد برخی کشورها از محل فعالیت‌های گردشگری است. مسافرت و جهانگردی در تولید ناخالص ملی نقش والایی را ایفا می‌کند. گردشگری علاوه بر ایجاد اشتغال موجب درآمد ملی می‌شود که بخشی از درآمد به صورت درآمد ارزی حاصل می‌شود. درآمدهای گردشگری عبارتند از مقدار ارزی که بازدیدکنندگان خارجی به داخل کشور می‌آورند و خرج می‌کنند.

قسمت اعظم درآمدهای ناشی از گردشگری بیشتر به مناطقی از جهان اختصاص دارد که از اوضاع اقتصادی و رفاهی بهتری نسبت به بقیه نقاط جهان برخوردارند در این خصوص می‌توان به اتحادیه اروپا، آمریکای شمالی و آسیای شرقی اشاره کرد. جالب آنکه بیشترین مولدین گردشگری را نیز همان کشورهای عمده پذیرای گردشگران تشکیل می‌دهند مثل آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلیس، فرانسه و ایتالیا.

جهانگردی و درآمد ارزی، مطلوب‌ترین اثر جهانگردی ارزی است که وارد کشور می‌شود (همایون، ۱۳۸۴: ۲۳). ارز خارجی حاصل از جهانگردی بین‌المللی، شامل محاسبه درآمدهای ناخالص ارز خارجی است (کل ارز خارجی که جهان‌گردان خارجی هزینه می‌کنند، و درآمد خالص ارز خارجی) ارز خارجی باقیمانده در کشور پس از کسر ضریب خروج ارز خارجی. دگرگونی‌های نرخ تبدیل، اثر تعیین کننده‌ای بر روندهای گردشگری بین‌المللی و در نتیجه روند گردشگری و توزیع آن دارد. در کنار تعدادی از عوامل دیگر (مانند تغییرات تولید ناخالص ملی و تراز پرداخت‌ها)، نوسان نرخ تبدیل ارز تا حدود زیادی سبب روندهای انشعابی در مخارج گردشگری توسط کشورهاست (ولا، ۱۳۸۴: ۱۱۴)

گردشگری و عرضه و تقاضا، قانون عرضه بیانگر آن است که رابطه مستقیم میان قیمت کالا یا خدمت مورد نظر و مقدار کالا یا خدمتی که تولید کنندگان عرضه می‌کنند. وجود دارد، به شرط آنکه سایر عوامل ثابت باشند. قانون تقاضا می‌گوید که رابطه معکوس میان قیمت کالاها و خدمات و مقدار کالاها یا خدماتی که خریداران مطالبه می‌کنند وجود دارد، به شرط آنکه سایر عوامل ثابت باشند.

گردشگری و توسعه، اگر منافع گردشگری در سطح جوامع و مناطق یک کشور به درستی توزیع شود می‌تواند سطح زندگی مردم را بهبود بخشد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۹۳). به همین دلیل توسعه گردشگری، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، عامل مؤثری در مقابله با فقر است و موجب افزایش درآمد قشرهای مختلف، کاهش بیکاری و رونق اقتصادی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۵: ۶). در برنامه توسعه سازمان ملل شاخص توسعه‌ی انسانی معرفی شده است این شاخص نه فقط درآمد ناخالص ملی سرانه، بلکه میزان امید به زندگی مردم و نرخ باسوادی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (داسویل، ۱۳۸۴: ۱۶۴)



نتیجه گیری و پیشنهادات

در گردشگری امروزه که تمامی ابعاد موجود در زمین به خدمت صنعت گردشگری در آمده اند و بسیاری از پدیده ها و آثار تبدیل به جاذبه های گردشگری شده اند، نمی توان نقش معماری را در دسته بندی جاذبه های گردشگری نادیده گرفت. آنچه که باید بدان توجه شود، ایجاد جاذبه های نوین بر اساس پیشینه فرهنگی ایرانی و با توجه به تکنولوژی روز معماری است، روابط متقابل محیط طبیعی، پدیده های انسان ساخت و ساختار جامعه، تاثیر فراوانی بر فرایند شهرسازی و معماری دارد. الگوی رفتاری در محیط شهری متناسب با ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به طور کلی تابعی از فضای گردشگری و فضای شهری است و بر حسب پدیده های اجتماعی تغییر می کند. ساختار شهری تحت تاثیر شرایط محیطی شکل می گیرد و تکامل می یابند.

بنابراین می توان گفت شهر سازی و معماری پیوندی درونی با ساختار جامعه دارند و اساسا گردشگری که مرتبط با انسان است در تعامل نزدیک با آنهاست آنچه باید بدان توجه شود و به نوعی می توان به ارزش افزوده گردشگری به ویژه گردشگری فرهنگی از آن یاد کرد، ایجاد جاذبه های نوین بر اساس پیشینه های فرهنگی ایرانی و با توجه به تکنولوژی روز معماری است. معماری از جمله عناصری است که نقش بسیاری در ساخت، رونق و موفقیت زیرساخت های گردشگری دارد. معماری صنعتی است که در کنار گردشگری با مدیریت هدفمند نقش لازم و ملزوم یکدیگر را پیدا کرده و به نوعی در تکامل و موفقیت یکدیگر تاثیرگذارند.

با توجه به پژوهش حاضر میتوان نتیجه گرفت که گردشگری و زیرساختهای آن از عوامل تاثیرگذار در توسعه پایدار شهری می باشند. صنعت گردشگری از طریق ترکیب و بکار گیری همزمان منابع داخلی و خارجی، منافع اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و فرهنگی زیادی را به دنبال دارد از این رو توسعه زیرساختهای گردشگری اولین گزینه در امر توسعه هر منطقه است. و اینگونه است شهرهایی که واجد ارزشهای تاریخی فرهنگی شهرسازی و معماری و فضاهای مطلوب شهری در ابعاد مورد نظر می باشند در حیطه ی برنامه ریزی در خصوص سیما و منظر مطلوب شهری و ایجاد شاخص های مورد نیاز بازدید کنندگان و گردشگران در زمینه ی تامین زیرساختهای گردشگری قرار گیرند.

با توجه به بررسی های به عمل آمده موارد زیر پیشنهاد می گردد :

- توسعه اماکن گردشگری مانند باشگاه ها، مراکز همایش، گالری ها و موزه ها (معاصر و تاریخی)، مراکز فرهنگی در سطح شهرسازی
- فعالیت های نظارت بر اجرای قوانین مرتبط با فعالیتهای گردشگری و توسعه پایدار شهری
- سیاست گذاری، برنامه ریزی و اصلاح قوانین و مقررات بخش گردشگری و مدیریت شهری
- ایجاد تاسیسات زیربنایی شامل شبکه جاده ای، مخابرات، آب، انرژی و برق، فاضلاب، در سطح شهر در جهت هر چه بهتر نمودن توسعه پایدار شهری
- توزیع یکسان زیرساختهای گردشگری در سطح شهرستان های استان و ایجاد تعادل منطقه ای در این زمینه به منظور ارتقای صنعت گردشگری
- توجه بیشتر به محلات شهر که زیرساخت های گردشگری پایین تری دارند و ارایه برنامه زمان بندی توسعه در جهت توسعه گردشگری و توسعه شهری پایداری
- بهبود و توسعه فضای سبز شهر با هدف پاک سازی هوا و ایجاد چشم اندازهای زیبا برای جذب گردشگران
- همکاری و مشارکت مدیران و برنامه ریزان گردشگری و مدیران و برنامه ریزان شهری
- شناساندن جاذبه ها و امکانات گردشگری شهر به گردشگران به منظور رونق اقتصادی شهر
- شناسایی موانع و ضعفهای موجود در بخش بازاریابی صنعت گردشگری
- مکان یابی مطلوب و متناسب فضایی خدمات و امکانات زیربنایی در شهر با توجه به تراکم جمعیت، موقعیت و عملکرد محله های شهر
- تلاش در راستای ایجاد هماهنگی و همکاری میان نهادها و دیگر سازمان های خدمات رسانی به شهر برای پیاده کردن بهتر الگوی توسعه پایدار شهر.

منابع و ماخذ

- بهزادفر، مصطفی، (۱۳۸۵): "هویت شهری (نگاهی به هویت شهری شهر تهران)"، تهران، موسسه نشر شهر، چاپ اول
- پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی (۱۳۸۵) گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
- پاپلی یزدی، محمدی، سقایی، (۱۳۸۶): "گردشگری: ماهیت و مفهوم آن"، تهران، نشر سمت
- تقوایی، دکتر مسعود، صفرآبادی، اعظم، (۱۳۹۰): "مدیریت گردشگری با تاکید بر برنامه ریزی های فضاهای شهری جاذب گردشگر" فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۹، زمستان، صص: ۲۱۰-۱۸۵.
- چاک وای، گی، (۱۳۸۵): "گردشگری بین المللی در چشم اندازی جامع"، مترجم: علی پارساییان، محمد اعرابی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ سوم، ۱۸۷.
- داس ویل، راجر (۱۳۸۴) مدیریت جهانگردی؛ مبانی، راهبردها و آثار، ترجمه اعرابی، سید محمد و ایزدی، داوود، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ سوم
- رهنمایی، محمد تقی، (۱۳۸۲): "مجموعه مباحث و روش های شهرسازی"، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- صدر موسوی، میرستار، دخیلی کهنمومی، جواد: (۱۳۸۴)، "ارزیابی وضعیت تسهیلات گردشگری استان آذربایجان شرقی از دید گردشگران"، نشریه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۹، دانشگاه تبریز.
- فرجی راد، عبدالرضا، افتخاریان، بهنام، (۱۳۹۱): "بررسی نقش معماری در صنعت گردشگری (مطالعه موردی: معماری ایران)"، فصلنامه فضای گردشگری، سال اول، شماره ۳، تابستان، صص: ۶۷-۴۹.
- کازس، ژرژ، (۱۳۸۲): "جهانگردی شهری"، مترجم: صلاح الدین محلاتی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کاظمی، محمد (۱۳۸۵) مدیریت گردشگری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
- محسنی، رضا علی، (۱۳۸۸): "مجله علمی پژوهشی فضای جغرافیایی"، سال ۹، شماره ۲۸، زمستان، صص: ۱۴۹-۱۷۱، اهر.

- ولا،فرانسوا. بیچریل، یونل(۱۳۸۴) گردشگری بین المللی،ترجمه گوهریان، محمد ابراهیم و کتابچی ، محمد مهدی، موسسه انتشارات امیر کبیر،تهران ، چاپ اول
- همایون ، محمد هادی(۱۳۸۴) جهانگردی: ارتباطی میان فرهنگی،انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، چاپ اول
- یعقوب زاده، رحیم، برنامه ریزی توریسم،تهران، انتشارات کیان فردا، ۱۳۸۸

-Bertaud,alain,(۲۰۰۲):The Spatial Organization of Cities:Deliberate Outcome or Unforeseen Consequence,World Development Report ۲۰۰۳,Dynamic Development in a Sustainable World.

-Cheng,gianquan,jan Turkstra,Mingiun Peng,Ningrui Du & Peter Ho,(۲۰۰۶):Urban land administration and planning in china:Opportunities and constraints of spatial data models,land use policy ۲۳,۶۰۴-۶۱۶

-Rodrigue,jean-paul,(۲۰۰۹):The Geography of transport system,Routledge